

بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برون‌سازی  
شده در کودکان ۷ تا ۹ سال

The Study of Relationship Between Parenting Styles and  
Externalizing Symptoms in 7 to 9 Year Old Children

P. S. Seyedmousavi ✉

H. Nad Ali

S. Ghanbri

پریساسادات سیدموسوی ✉

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

حسین نادعلی

کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

سعید قنبری

دانشجوی دکتری، روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

**Abstract**

The aim of this study was to investigate the relationship between parenting styles including authoritarian, authoritative and permissive styles) and child behavioural disorder that have conceptualized as externalizing symptoms (aggressive and role broken behaviour).

273 mothers of 7-9 years old boys from primary schools participated in this study.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology  
Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.  
Tel:+9821-44232589  
Fax:+9821-88926034  
Email: parisa.parisamousavi@gmail.com

**چکیده:**

با توجه به اهمیت فرزندپروری چه در پرتو سبک‌های فرزندپروری و چه در قلمرو رفتارهای خاص والدینی در پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری در کودکان و از آنجایی که روابط متقابل والد - کودک در مرکز آسیب‌شناسی کودکان در نظر گرفته شده است، در این پژوهش سعی بر آن است تا رابطه بین سبک‌های فرزندپروری (سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه) و اختلال‌های رفتاری کودکان، که در پژوهش حاضر به‌عنوان نشانگان

✉ نویسنده مسئول: تهران - خ استاد نجات‌الهی (ویلا) - نرسیده به کریمخان زند - خ لباف - کوچه نارنگ - شماره ۴۷ - واحد ۶ - مرکز مشاوره گلستان  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۲۳۲۵۸۹ دورنما: ۰۲۱-۸۸۹۲۶۰۳۴  
پست الکترونیکی: email:parisa.parisamousavi@gmail.com

Results indicated that permissive parenting style had significant positive correlation with externalizing symptoms. In contrast, authoritative style had significant negative correlation with this symptoms. No relation was found between authoritarian parenting style and externalizing symptoms.

**Keywords:** Parenting Styles, externalizing, aggression, role broken.

برونی‌سازی شده (رفتارهای پرخاشگرانه و قانون‌شکنی) مفهوم‌سازی گشته است، بررسی شده، نقش این متغیرها در پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری کودک تعیین گردد.

جامعه این پژوهش شامل مادران کودکان پسر ۷ تا ۹ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی منطقه شش تهران بودند که ۲۷۳ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلاس‌های مقاطع اول تا سوم از ۴ مدرسه ابتدایی موجود در این منطقه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با نشانگان برون‌سازی شده رابطه مثبت معناداری دارد ولی سبک فرزندپروری مقتدرانه با نشانه‌های برون‌سازی همبستگی منفی معناداری نشان داد. سبک فرزند پروری مستبدانه با نشانگان برون‌سازی شده رابطه معنی‌داری نداشت.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزندپروری، نشانگان برون‌سازی شده، رفتار پرخاشگرانه، رفتار قانون‌شکنی

## مقدمه

طی چند دهه گذشته علاقه و توجه به تحول عاطفی - اجتماعی کودکان افزایش یافته است. پیش از این پژوهشگران بر این باور بودند که مشکلات کودکان ناشی از نارسایی‌های تحولی آن‌ها است و این گروه از کودکان مشکلات را پشت سر خواهند گذاشت. واقعیت این است که اگرچه، فرایند تحول همراه با تغییرات سریع نمی‌تواند فاقد ناپایداری رفتاری باشد، اما کاملاً روشن است که بسیاری از کودکان در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات عاطفی و رفتاری‌ای هستند که در طی زمان و شاید تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم یابد (گیمپل و هالند، ۲۰۰۲). در یک پژوهش میزان شیوع اختلال‌های دوران کودکی بین ۱۴٪ تا ۲۲٪ گزارش شده و در پژوهشی دیگر میزان شیوع این اختلال‌ها بین ۶٪ تا ۲۵٪ برآورد شده است (فلوری<sup>۱</sup> و بوچانان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از بارکلی، ۲۰۰۲).

در الگوی جدید طبقه‌بندی اختلال‌های دوران کودکی، دو طبقه کلی اختلال‌های درونی‌سازی شده<sup>۳</sup> و اختلال‌های برون‌سازی شده<sup>۴</sup> مشخص شده‌اند (گیمپل و هالند، ۲۰۰۲). نشانگان افسردگی/ اضطراب، کناره‌گیری/ افسردگی و شکایات جسمانی در طبقه مشکلات درونی‌سازی شده، که معمولاً خود فرد را آزار می‌دهند و مشکلات مربوط به قانون‌شکنی و پرخاشگری که بیشتر با آزار و اذیت

دیگران در ارتباط هستند، در طبقه مشکلات برونی‌سازی شده قرار می‌گیرند (آشنباخ و رسکولا، ۲۰۰۲).

رفتارهای برونی‌سازی شده شامل دامنه گسترده‌ای از رفتارها و فعالیت‌ها می‌شوند که با عناوین مختلفی در پیشینه پژوهشی مطرح شده‌اند: فزون‌کنشی، خارج از کنترل بودن، غیرقابل اصلاح بودن، انحرافات اجتماعی، مشکلات در نظم، مشکلات رفتاری، گذار به عمل، رفتارهای ضداجتماعی، نافرمانی و رفتارهای غیرقابل مدیریت.

مشکلات برونی‌سازی شده، نشانگان مزمن و فراگیری هستند که آسیب‌های فراوانی را در روابط کودک - والد پدید می‌آورند و تنیدگی بین والدین و هم‌چنین خطر نتایج ضعیف در زندگی آتی کودک را افزایش می‌دهند. مجرمیت، مشکلات سلامت جسمانی و روانی و مشکلات در سازگاری‌های مربوط به زندگی زناشویی و شغلی از دیگر مشکلات این گروه محسوب می‌شوند (کازدین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ به‌نقل از فیدرستون، ۲۰۰۲).

گستره ادبیات پژوهشی مربوط به عوامل خطر ساز مشکلات رفتاری در کودکان، عمدتاً روی هم‌بسته‌های خانواده به‌عنوان پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری تمرکز نموده است. این تحقیقات نشان می‌دهند که فرزندپروری یکی از مهم‌ترین عوامل در تحول این مشکلات است (فریک، ۱۹۹۴). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و رفتارهای والدینی با مشکلات رفتاری کودکان در پژوهش‌های دیگری نیز به اثبات رسیده است. به‌عنوان مثال اسمارت<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۱ (به‌نقل از هالنستین، ۲۰۰۴) در پژوهشی دریافته است که چگونگی تعامل والد-کودک اغلب به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای برای مشکلات رفتاری کودکان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تعامل‌هایی که معمولاً همراه با خصومت متقابل، بدبینی، کنترل بیش از حد و خشونت هستند در بسیاری از آسیب‌شناسی‌های دوران کودکی دخالت دارند.

پژوهشی روی کودکان دبستانی نشان داده است، کودکانی که اختلال‌های رفتاری بیمارگونه داشتند، دارای مادرانی با میزان پرخاشگری بالاتر، افسردگی بیشتر، حمایت اجتماعی کمتر بودند که از شیوه‌های فرزندپروری توأم با طرد و تنبیه، استفاده می‌کردند (اونز<sup>۷</sup>، جیوانی<sup>۸</sup> و ونیسلو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱؛ به‌نقل از گیمپل و هالند، ۲۰۰۲).

پژوهش‌های متمرکز بر عوامل والدینی، عموماً فرزندپروری را هم در پرتو سبک‌های فرزندپروری جهانی (برای مثال، مقتدر، مستبد و سهل‌گیر) و هم رفتارهای خاص والدینی (مانند شیوه‌های برقراری نظم) مفهوم‌سازی نموده‌اند. هم‌چنین دارلینگ<sup>۱۰</sup> و استین برگ<sup>۱۱</sup> در سال ۱۹۹۳ (به‌نقل از سامروف، ۲۰۰۴) مدل نظری ارائه دادند که در آن، سبک فرزندپروری از طریق تعدیل ارتباط بین رفتارهای والدینی و پیامدهای رفتاری، تأثیر غیرمستقیم روی این پیامدها داشت.

سبک فرزندپروری به صورت بسیار گسترده‌ای در ارتباط با مشکلات برونی‌سازی شده کودکان مورد پژوهش قرار گرفته است. بسیاری از این پژوهش‌ها براساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند (۱۹۶۷، ۱۹۷۱؛ به نقل از دیاز، ۲۰۰۵) انجام شده‌اند. بامریند سه سبک فرزندپروری مستبدانه<sup>۱۲</sup>، مقتدرانه<sup>۱۳</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۱۴</sup> را با در نظر گرفتن کنترل والدینی ارائه داده است. پژوهش‌های انجام شده بر روی این سه سبک نشان داده است که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهد (هارت<sup>۱۵</sup>، اولسن<sup>۱۶</sup>، رابینسون<sup>۱۷</sup> و ماندلکو<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از دیاز، ۲۰۰۵).

فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌گردد. این سبک با پیامدهای رفتاری منفی مانند اختلال‌های برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده و سطوح پایین‌تر کنش‌وری هیجانی ارتباط دارد (هارت و همکاران، ۱۹۹۷؛ رابین<sup>۱۹</sup>، استیوارت<sup>۲۰</sup> و چن<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۴؛ استنبرگ، لمبورن<sup>۲۲</sup>، دارلینگ، مانترز<sup>۲۳</sup> و دورنباش<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۴؛ به نقل از دیاز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دوسویه میان کودک و والد مشخص می‌شود. این سبک با پیامدهای تحولی مثبت هم‌چون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود بیشتر، انحرافات رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان مرتبط است. سبک سهل‌گیرانه که پژوهش‌های کمتری را نسبت به دوسازه دیگر به خود جلب نموده است، با کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود و گرایش به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود. این سبک نیز با بزهکاری و پرخاشگری که ناشی از کمبود نظارت والدین و بی‌تفاوتی والدین در این سبک است، ارتباط دارد (استنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴).

با توجه به آن چه گذشت، روابط متقابل والد - کودک در مرکز آسیب‌شناسی کودکان مورد توجه قرار گرفته است، مشکلات در این تعاملات می‌توانند به عنوان یک عامل خطر ساز مطرح گردند (بینا، ۲۰۰۲). گرچه نشانگان برونی‌سازی از شیوع بالایی در بین کودکان برخوردارند و با گذشت زمان از بین نمی‌روند و مشکلات بیشتری برای کودک و خانواده او سبب می‌شوند، در پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های والدینی با مشکلات برونی‌سازی در کودکان است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا میزان بروز مشکلات برونی‌سازی شده در سبک‌های والدینی مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه متفاوت است.

## روش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است.

## جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه این پژوهش مادران کودکان پسر ۷ تا ۹ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی منطقه شش تهران هستند. نمونه این پژوهش شامل ۲۷۱ نفر از مادران کودکان مشغول به تحصیل در مدارس بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابتدا از بین مدرسه ابتدایی موجود در منطقه شش، ۴ مدرسه انتخاب شده، سپس از هر مدرسه، سه کلاس از بین مقاطع اول تا سوم ابتدایی به صورت تصادفی انتخاب شدند.

## ابزارهای پژوهش

**فهرست رفتاری کودک (CBCL)**<sup>۲۵</sup>: که در این پژوهش به کار رفته است، در نظام سنجش مبتنی بر تجربه آشنباخ<sup>۲۶</sup> برای ارزیابی سنجش صلاحیت<sup>۲۷</sup>، کنش‌وری سازشی و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان معرفی شده است. این فهرست، توسط والدین یا فردی که سرپرستی کودک را بر عهده دارد و از او مراقبت می‌کند و یا هر کسی که با کودک در محیط‌های شبیه خانواده زندگی می‌کند و او را به‌طور کامل می‌شناسد براساس وضعیت کودک در ۶ ماه گذشته تکمیل می‌شود. این فهرست دارای دو بخش است: بخش اول مربوط به صلاحیت کودک در زمینه‌های مختلف نظیر فعالیت‌ها، روابط اجتماعی و مدرسه است و بخش دوم مربوط به مشکلات عاطفی - رفتاری است که می‌توان آن را به دو صورت مورد بررسی قرار داد. ابتدا می‌توان از نیمرخ‌هایی که براساس اختلال‌های DSM-IV تنظیم شده استفاده کرد. این جهت‌گیری براساس DSM مشکلات عاطفی، اضطرابی، بدنی، نارسایی توجه/فزون‌کنشی، تضادورزی جسورانه و مشکلات هنجاری را در برمی‌گیرد. هم‌چنین می‌توان آن را براساس مقیاس‌های نشانگانی که مبتنی بر تجربه هستند، مورد بررسی قرار داد. نشانگان، مجموعه‌ای از مشکلات و نشانه‌ها هستند که تمایل به وقوع همزمان دارند. برای تشخیص نشانگان در فهرست رفتاری کودک از روش‌های تحلیل عوامل استفاده شده است که براساس آن عوامل یا نشانگان اضطراب/ افسردگی، گوشه‌گیری/ افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتارهای قانون‌شکنی و رفتارهای پرخاشگرانه به‌وجود آمده‌اند که سه مورد نخست، تشکیل‌دهنده مشکلات درونی‌سازی شده و دو مورد انتهایی تشکیل‌دهنده مشکلات برونی‌سازی شده هستند. می‌توان نمرات مربوط به این دو مقیاس را از مجموع نشانگانی که در این مقیاس قرار می‌گیرند، بدست آورد. هم‌چنین از مجموع نمرات مقیاس‌های مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده، نمره مشکلات کلی بدست می‌آید (اشنباخ و رسکولا، ۲۰۰۲). زیرمقیاس رفتارهای پرخاشگرانه دارای ۱۸ سؤال و زیرمقیاس رفتارهای قانون‌شکنی واجد ۱۷ سؤال است که به صورت کاملاً، معمولاً و اصلاً با نمرات ۲، ۱ و ۰ نمره‌گذاری می‌شود.

پایایی آزمون - بازآزمون بین مصاحبه‌گران نمرات فهرست رفتاری کودک (CBCL) بین ۰/۹۳ تا ۱ برای نمرات بدست آمده از مصاحبه‌گران مختلف و گزارشات والدین با فاصله زمانی ۷ روز بوده است. این پایایی برای مقیاس‌های صلاحیت، کنش‌وری سازشی و نشانگان عاطفی - رفتاری در CBCL برابر با ۰/۹۰ بوده است. نمرات CBCL بین ۲۴- ۱۲ ماه ثبات داشته‌اند (آشنباخ و رسکولا، ۲۰۰۲). هنجاریابی این نظام در شهر تهران، پس از انطباق‌های لازم به لحاظ زبانی، فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته است. همسانی درونی این نظام در مشکلات رفتاری - عاطفی کودکان رضایت‌بخش بوده است. هم‌چنین در اعتبار آزمون - بازآزمون تمام همبستگی‌های گشتاوری پیرسون معنادار بوده است و تمام همبستگی‌های مربوط به توافق متقابل بین پاسخ‌دهندگان شامل توافق بین والدین، معلمان، کودکان و والدین و والدین و معلمان معنادار بوده است (مینایی، ۱۳۸۴).

**پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری:** که برای سنجش سبک فرزندپروری والدین استفاده شد. این ابزار براساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از الگوهای رفتاری سهل‌گیر، مستبد و قاطع اقتباس شده که جهت بررسی شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سبک سهل‌گیرانه، ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش نموده است. هم‌چنین وی در مورد میزان اعتبار پرسشنامه، رابطه بین سهل‌گیر بودن و مستبد بودن را (۰/۵۰-) و هم‌چنین رابطه مقتدر بودن و مستبد بودن (۰/۵۲-) را در مادران منفی یافته است. اسفندیاری (۱۳۷۴) میزان پایایی به روش بازآزمایی را برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک مستبدانه ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ را گزارش نمود. اعتبار این پرسشنامه به‌وسیله صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تأیید واقع شده است.

#### یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی مربوط به نمونه پژوهش نشان داد که میانگین سن مادران برابر با ۳۵/۷ و میانگین سن کودکان ۷/۹ بوده است. مادران نمونه پژوهش ۳۸٪ شاغل و ۶۲٪ خانه‌دار بودند. برای بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نشانگان برون‌سازي از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات برونی‌سازی (رفتار پرخاشگرانه و رفتار قانون‌شکنی)

رفتار	رفتار	مشکلات	سبک	سبک	سبک	
پر خاشگرانه	قانون‌شکنی	برونی‌سازی	مستبدانه	سهل‌گیرانه	مقتدرانه	
					۱/۰۰	سبک مقتدرانه
				۱/۰۰	*-۰/۵۱	سبک سهل‌گیرانه
			۱/۰۰	-۰/۰۲	۰/۰۲	سبک مستبدانه
		۱/۰۰	۰/۰۶	*۰/۴۲	*-۰/۶۰	مشکلات برونی‌سازی
	۱/۰۰	*۰/۸۴	۰/۰۴	*۰/۲۸	*-۰/۴۷	رفتار قانون‌شکنی
۱/۰۰	*۰/۶۵	*۰/۸۹	۰/۰۶	*۰/۴۴	*-۰/۶۰	رفتار پر خاشگرانه

\* همبستگی‌های معنادار ۰/۰۱

با توجه به نتایج جدول ۱ و به دلیل وجود همبستگی‌های معنادار بین مقیاس‌های برونی‌سازی شده (رفتار پر خاشگرانه و رفتار قانون‌شکنی) و سبک‌های فرزندپروری با یکدیگر و به منظور تعیین سهم واریانس هر یک از سبک‌های فرزندپروری در نشانگان برونی‌سازی شده کودکان، از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

در جدول ۲ خلاصه الگوهای رگرسیون مربوط به نشانگان برونی‌سازی شده و در جدول ۳ تحلیل رگرسیون مربوط به نشانگان برونی‌سازی ارائه شده است. نتایج نشان دادند تحلیل واریانس مربوط به آزمون رگرسیون با مقادیر  $F$  برابر با ۵۷/۲۷ و درجه آزادی ۳ و  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار بوده است.

جدول ۲: خلاصه الگوهای رگرسیون مربوط به نشانگان برونی‌سازی شده

الگو	R	مجذور R	مجذور R	خطای برآورد
۱	۰/۶۲	۰/۳۹	۰/۳۸	۶/۳۳

الگوی ۱: متغیرهای پیش‌بین: سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه با ضرایب رگرسیون به ترتیب ۰/۵۲- و ۰/۱۶+ پیش‌بینی‌کننده‌های معتبری برای متغیر نشانگان برونی‌سازی شده هستند. البته با این تفاوت که سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب ۰/۵۲- پیش‌بینی‌کننده

منفی قوی برای این نشانگان و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با ضریب ۰/۱۶ پیش‌بینی‌کننده مثبت برای نشانگان برون‌سازی شده محسوب می‌گردند. به عبارت دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش نشانه‌های برون‌سازی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با افزایش این نشانگان همراه است.

### جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون مربوط

به نشانگان برون‌سازی شده

سطح معناداری	t	ضرایب	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
		استاندارد	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۶/۹۲	-	۲/۸۳	۱۹/۶۵	عدد ثابت
۰/۰۰۱	-۹/۴۳	-۰/۵۲	۰/۰۷	-۰/۶۹	سبک مقتدرانه
۰/۰۰۴	۲/۹۴	۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۱۵	سبک سهل‌گیرانه
۰/۱۲۷	۱/۵۳	۰/۰۷	۰/۰۵	۸/۷۰	سبک مستبدانه

نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون مربوط به مقیاس رفتار قانون‌شکنی در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان‌دهنده معنادار بودن F با مقدار ۲۶/۵۴ و با درجه آزادی ۳ و  $p < ۰/۰۰۱$  بود.

### جدول ۴: خلاصه الگوهای رگرسیون مربوط

به رفتار قانون‌شکنی

الگو	R	مجذور	مجذور R	خطای برآورد
۱	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۲	۲/۶۲

الگوی ۱: متغیرهای پیش‌بین: سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه

نتایج جدول ۵ نشان داد که در پیش‌بینی رفتار قانون‌شکنی تنها سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده معتبری است و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه دارای معناداری



آماري نيسستند. سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب رگرسیون  $0/43-$  پیش‌بینی‌کننده منفی قوی برای این مقیاس است بدین معنی که این سبک با کاهش رفتارهای قانون‌شکنی همراه است.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به رفتار قانون‌شکنی

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	استاندارد	
عدد ثابت	۶/۳۰	۱/۱۷			۰/۰۰۱
سبک مقتدرانه	-۰/۲۱	۰/۰۳	-۰/۴۳		۰/۰۰۱
سبک سهل‌گیرانه	۲/۳۹	۰/۰۲	۰/۰۶		۰/۲۸
سبک مستبدانه	۲/۱۶	۰/۰۲	۰/۰۴		۰/۳۵

نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون رفتار پرخاشگرانه در جداول ۶ و ۷ نشان داده شده است. تحلیل واریانس مربوط به آزمون رگرسیون در این مقیاس با  $F$  برابر با  $۵۷/۸۲$  و با درجه آزادی ۳ و در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار بوده است.

جدول ۶: خلاصه الگوهای رگرسیون مربوط به رفتار پرخاشگرانه

الگو	R	مجذور R	مجذور R	خطای برآورد
۱	۰/۶۲	۰/۳۹	۰/۳۸	۴/۵۱

الگوی ۱: متغیرهای پیش‌بین: سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه

جدول ۷ نشان می‌دهد، سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب رگرسیون  $0/47-$  پیش‌بینی‌کننده معنادار و منفی برای مقیاس رفتار پرخاشگرانه و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز پیش‌بینی‌کننده معنادار، اما مثبتی برای پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه است.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به رفتار پرخاشگرانه

متغیر	ضرایب		t	سطح معناداری
	غیراستاندارد	ضرایب استاندارد		
	B	خطای استاندارد	بتا	
عدد ثابت	۱۳/۴۴	۲/۰۳	۶/۶۱	۰/۰۰۱
سبک مقتدرانه	-۰/۴۷	۰/۰۵	-۹/۰۹	۰/۰۰۱
سبک سهل‌گیرانه	۱۳	۰/۰۳	۳/۴۸	۰/۰۰۱
سبک مستبدانه	۶/۵۴	۰/۰۴	۱/۶۰	۰/۱۰۹

### بحث

هدف این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری مادران با اختلال‌های برونی‌سازی شده کودکان است. فرزندپروری به‌عنوان بخشی از تأثیرات خانوادگی، نقش مهمی در جهت‌دهی به رفتارهای کودکان دارد (کن‌وهانا، ۲۰۰۰). همان‌طور که انتظار می‌رفت نتایج نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش مشکلات برونی‌سازی شده و سبک سهل‌گیرانه با افزایش مشکلات برونی‌سازی شده رابطه دارند. این نتایج با یافته‌های بدست آمده از پژوهش‌های دیگر همسو می‌باشند (چن، وو، چن، ونگ و کن، ۲۰۰۱؛ دیوید و آرنولد، ۲۰۰۴؛ آنولا و نورمی، ۲۰۰۵؛ چنگ، شوارتز، دوگ و مک برایت‌چانگ، ۲۰۰۵؛ الکساندر، ۲۰۰۶). نتایج، رابطه معناداری را بین سبک فرزندپروری مستبدانه و مشکلات برونی‌سازی شده کودکان نشان ندادند.

برای تبیین رابطه سبک‌های فرزندپروری با رفتارهای کودکان، تحقیقات جدید روی مؤلفه‌های رابطه، مراقبت و ساختار تکیه کرده‌اند (الکساندر، ۲۰۰۶). مسئولیت‌پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مؤلفه‌های رابطه و مراقبت به‌شمار می‌روند و کنترل و محدودیت از عناصر ساختار محسوب می‌شوند. به‌طور کلی در سبک فرزندپروری مقتدرانه هر سه مؤلفه به میزان مناسب مشاهده می‌شوند. این والدین با درخواست‌های معقول برای کودک محدودیت ایجاد می‌کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند. در عین حال در رابطه خویش صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. همچنین از رفتارهای محبت‌آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن کودک بیشتر استفاده می‌کنند. این والدین خود را در قبال کودک مسئول می‌دانند. از آن‌جایی که این والدین کودکان خود را تشویق کرده و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده را ترغیب می‌نمایند، کودکان آن‌ها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند. سبک مقتدرانه با روابط اجتماعی بیشتر، استدلال، محبت با رفتارهای مثبت رابطه دارد (تانایلا، ۲۰۰۲).

براساس آنچه محققانی چون اریکسون، پیازه و دیگران درباره شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته‌اند (سانتروک<sup>۲۸</sup>، ۱۹۹۹؛ به نقل از چنگ و همکاران، ۲۰۰۵)، به نظر می‌رسد زمانی که سبک فرزندپروری والدین از لحاظ مؤلفه‌هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می‌شود که به عنوان منفی برجسته خورده است. زمانی که این مؤلفه‌ها افزایش می‌یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می‌یابد که این شرایط عموماً با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد (دیاز، ۲۰۰۵).

از سویی دیگر کاهش این مؤلفه‌ها که معمولاً با سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه همراه است با کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار رابطه دارد. در سبک سهل‌گیرانه کمترین میزان ساختار موجود است. این والدین کتتری روی رفتار کودک ندارند بنابراین اکثر این کودکان بی‌کفایت هستند. همچنین مؤلفه مراقبت نیز در این والدین کم است. بنابراین انتظار می‌رود این سبک فرزندپروری نیز با پیامدی منفی و مشکلات برونی‌سازی شده در کودک رابطه داشته باشد (آینولا و نورمی، ۲۰۰۵). نتایج تحقیقات درباره نقش سبک مستبدانه هنوز کاملاً مشخص و قطعی نیست. به طور کلی در این سبک ساختار در حد بالایی وجود دارد به طوری که کنترل و سخت‌گیری بیش از حد موجب ایجاد ساختاری انعطاف‌ناپذیر می‌شود. همچنین مؤلفه رابطه در این سبک پایین است و این والدین از تنبیه‌های سخت برای کنترل کودک استفاده می‌کنند. مک‌لوید و اسمیت معتقدند که بافت حمایتی با عاطفه بالا، با سطوح بالاتر مشکلات رفتاری رابطه دارد. نتایج این پژوهش به رابطه معنادار بین این سبک و مشکلات برونی‌سازی شده کودک دست نیافت. به نظر می‌رسد این کودکان معمولاً مضطرب، گوشه‌گیر و ناخشنود باشند بنابراین احتمال بروز مشکلات درونی‌سازی شده در آنان بالاتر است.

#### یادداشت‌ها

1. Flouri, E.
2. Buchanan, A.
3. Internalizing
4. Externalizing
5. Kazdin, A.
6. Smart, C.
7. Owens, E. B.
8. Giovannelli, J.
9. Winslow, E.B.
10. Darling, N.
11. Steinberg, L.
12. Authoritarian
13. Authoritative
14. Permissive
15. Hart, C. H.
16. Olsen, S. F.
17. Robinson, C. C.
18. Mandlco, B. L.
19. Rubin, K. H.
20. Stewart, S. L.
21. Chen, X.
22. Lamborn, S. D.
23. Mounts, N. S.
24. Dornbusch, S. M.
25. Child behaviour checklist
26. Ashenbakh system of empirically based assessment.
27. Competence
28. Santrock, T.

## منابع

- اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی ایران، تهران.
- مینایی، ا. (۱۳۸۴). *هنجاریابی نظام سنجشی مبتنی بر تجربه آشناباخ*. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- Achenbach, T. M., & Rescola, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school age: Form & profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Department of Psychiatry.
- Alexander, T. E., (2006). Parenting and behaviors of 12 to 15 year old males in The Virgin Islands. Unpublished doctoral dissertation, Walden University, New York [On-Line]. Available: <http://www.proquest.com>
- Aunola, K., & Nurmi, J. (2005). The role of parenting style in children problem behavior. *Child Development*, 76(6), 1144-1159.
- Barkley, R. A. (2002) Two attention deficit hyperactivity disorders. In E. J. Mash, & R. A. Barkley, (Eds), *Child psychopathology* (pp. 75-144). New York: The Guilford Press.
- Beena, J. (2002). Behaviour problem in children and adolescents with learning disabilities. *The Internet Journal of Mental Health*, 1, 2 [On-Line]. Available: <http://www.ispub.com>
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Chang, L., Schwartz, D., Dodge, K. A., & Mc Bride-Chang, C. (2005). Harsh parenting in relation to child emotion regulation and aggression. *Journal of Family Psychology*, 17(4), 598-606.
- Chen, X., Wu, H., Chen, H., Wang, L., & Cen, G. (2001). Parenting practices and aggressive behaviors in Chinese children. *Parenting Science and Practice*, 1(3), 159-184.
- David, C. R., & Arnold, J. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 32(4), 369–383 .
- Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behaviour problems among Latino mothers and children*. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland.
- Featherstone, B. (2002). Research review: Parent stress and externalizing child behavior. *Child and Family Social work*, 7, 219-225.
- Frick, P. J. (1994). Family dysfunction and the disruptive behavior disorders: A review of empirical findings. In T. H. Ollendick and R. J. Prinz (Eds.), *Advances in Clinical Child Psychology* (PP.203-226). New York, NY: Plenum Press.
- Gimpel, G. A., & Holland, M. L. (2002). *Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years*. New York: Guilford press.

- Hollenstein, T. (2004). Rigidity in parent-child interaction and the developmental of externalizing and internalizing early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32(4), 595-607.
- Kann, T., & Hanna, F. (2000). Disruptive behavior disorders in children and adolescents: How do girls differ from boys? *Journal of Counseling and Development*, 78(3), 267-274.
- McLoyd, V. C., & Smith, J. (2002). Physical discipline and behavior problems in African American, European American and Hispanic children: Emotional supports as a moderate. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 40-53.
- Sameroff, A. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32(4), 369-383.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, N. S., & Dornbusch, S. M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754-770.
- Taanila, A. (2002). Effects of family interaction on the child's behavior in single parent or reconstructed families. *Family Process*, 41(4), 693-708.

